

روش استنباط گزاره‌های سیاسی

از ساختار سوره‌های قرآن

تاریخ دریافت: ۸۲/۴/۱۰

تاریخ تأیید: ۸۲/۴/۱۷

محمد خامه‌گر*

روش ساختاری، سبک جدیدی در تفسیر قرآن است. بر اساس این روش هر سوره دارای یک غرض اصلی (موضوع محوری) است و تمامی آیات و مباحث مطرح شده در سوره به صورت منطقی و فصل‌بندی شده به آن غرض مرتبط می‌شوند. نویسنده معتقد است اگر از این زاویه به مطالعه سوره‌هایی که موضوع اصلی آنها یکی از مباحث سیاسی است بپردازیم، می‌توانیم گزاره‌های سیاسی جدیدی را از قرآن کشف کنیم؛ گزاره‌هایی که به طور معمول از بررسی و مطالعه آیات به‌طور جداگانه به دست نمی‌آید. برای نمونه، در این نوشتار، دیدگاه قرآن درباره روش مقابله با شایعه از ساختار سوره قلم استنباط شده است.

واژه‌های کلیدی: روش ساختاری، هدفمندی سوره‌ها، شایعه‌سازی، روش‌های فهم قرآن، تفسیر سیاسی.

مقدمه

توجه گسترده قرآن به مباحث اجتماعی و سیاسی از یک سو و چالش‌های سیاسی معاصر جهان اسلام از سوی دیگر، توجه ویژه اندیشمندان مسلمان را به کشف دیدگاه‌های سیاسی قرآن معطوف کرده است؛ اما چگونه می‌توان گزاره‌های سیاسی را از قرآن کریم استنباط کرد و پاسخ قرآن به

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و عضو هیأت علمی مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

چالش‌های فراروی جامعه اسلامی را دریافت کرد؟ برای مثال اگر بخواهیم مفهوم آزادی سیاسی و حدود آن یا مبانی مشروعیت سیاسی یا مردم سالاری دینی یا اصول تبلیغات سیاسی را از دیدگاه قرآن بدانیم از چه راهکاری باید استفاده بکنیم تا بر مبنایی علمی و بدون دخالت دادن سلیقه یا تحمیل آرای مشهور بر قرآن، بتوانیم نظر قرآن را در این باب استخراج کنیم؟

در این خصوص سه روش عمده وجود دارد: روش نخست که بیشتر در تفاسیر رایج است بر مطالعه آیه در جایگاه خویش تأکید دارد. در این راهکار، مفسر با بررسی لغوی، نحوی و صرفی واژه‌های به کار رفته در آیه، مناسبت آن با آیات همجوار، شأن نزول آیه، تقدیم و تأخیر واژه‌ها در آیه، و کاربرد سایر صنایع لفظی و ادبی در آن به استنباط گزاره‌های سیاسی از آیه می‌پردازد؛ برای مثال از عبارت «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لِهْمُ أُنْعَثْ لَنَا مَلِكًا»^۱ که به داستان طالوت و جالوت مربوط می‌شود چنین استنباط کرده‌اند که «اعمال رهبری بر جامعه، در گرو وجود تمایل اجتماعی و زمینه پذیرش آن» است،^۲ این گزاره سیاسی که می‌تواند بخشی از نظریه مردم سالاری دینی در نظام سیاسی اسلام را تبیین کند، بدین‌سان از آیه مذکور استنباط شده است که «حضرت اشموئیل قبل از درخواست مردم، کسی را به عنوان فرمانده ایشان معین نکرد، با این‌که ضرورت آن روشن بود».^۳

در روش دوم که به تفسیر موضوعی شهرت دارد استنباط گزاره‌های سیاسی از آیات قرآن تنها پس از مطالعه آیات مشابه و هم‌افق میسر می‌گردد. طرفداران این روش معتقدند مجموعه آیات قرآن یک نظام سیاسی همگون را گزارش می‌دهند و کشف این نظام جز با مطالعه و بررسی همه آیات مربوط به یک مسأله مشخص نمی‌گردد. در این روش، مفسر با مطالعه مکاتب سیاسی یا بررسی چالش‌های سیاسی معاصر پرسش‌هایی را مطرح می‌کند و سعی می‌کند با بررسی مجموعه آیات مربوط به یک موضوع پاسخ سؤالات خود را از قرآن دریافت دارد. در این روش ممکن است از بررسی چند آیه که یکی عام و دیگری مخصص است یک گزاره استنباط شود. کاربرد این روش در استنباط گزاره‌های سیاسی در سال‌های اخیر بسیار فراوان شده و عملاً به روش رایج در این حوزه تبدیل شده است. اما روش دیگر که اخیراً در محافل قرآنی مطرح شده و تفاسیر نگاشته شده در نیمه دوم قرن بیستم بدان توجه وافری کرده‌اند، روش تفسیر ساختاری است. این روش مکمل روش موضوعی و روش مبتنی بر مطالعه آیه است و با استفاده از آن می‌توان گزاره‌های جدیدی از قرآن کریم استنباط کرد. به دلیل اهمیت روش سوم، این روش را تحت یک عنوان مستقل مورد بحث قرار می‌دهیم.

روش ساختاری در فهم قرآن

روش سوم، روش ساختاری است که بر نگرش جامع‌گرایانه به معانی سوره‌ها استوار است. براین

اساس و با ژرف‌اندیشی در محتوای پیام هر سوره، مفسر به دنبال یافتن غرض اصلی سوره تلاش‌های دامنه‌داری را سامان می‌دهد تا با راه یافتن به قله و تکیه زدن بر بلندای سوره نگاهی گسترده و جامع را بر آیات بیندازد و با فهم روح کلی سوره، به چگونگی ارتباط آیات به ظاهر پراکنده دست یابد و از رهگذر انسجام معنایی سوره، نکات تازه‌ای از آن کشف کند. توجه جدی به غرض سوره‌ها و تأکید بر آن‌که هدف هر سوره باید اساس فهم آیات تلقی گردد از اوایل قرن چهاردهم هجری با نگارش تفسیر المنار^۴ آغاز شد. محمد عبده اصرار داشت که کشف غرض هر سوره به مفسر کمک می‌کند تا به طور دقیق به معنای آیات نزدیک شود و معارف قرآن را درک کند. شاگرد وی رشیدرضا در تفسیر المنار این نظر استاد را به خوبی توضیح داده است. پس از محمد عبده، شیخ طنطاوی در الجواهر فی تفسیر القرآن^۵ (تألیف ۱۳۴۴ق) این روش را پی گرفت و با شروع دهه چهارم قرن بیستم این حرکت اوج گرفت. این بار سردمدار آن سید قطب بود که با انتشار مقاله‌ای با عنوان «تصویر هنری قرآن» در مجله المقتطف^۶ در سال (۱۳۶۰ ق / ۱۹۳۹ م) و سپس کتابی با همین عنوان در سال ۱۹۴۴ نشان داد که در فهم قرآن نباید فقط به آیات توجه کنیم، بلکه باید نگرش کلی سوره را نیز مدنظر داشت. پس از وی، دکتر محمد عبدالله دراز با نگارش کتاب النبأ العظيم^۷ (۱۳۵۲ ق / ۱۹۳۳ م) و شیخ محمد مدنی ریاست دانشکده الهیات الازهر با تدوین کتاب المجتمع الاسلامی كما تنظمه سورة النساء^۸ (۱۳۵۴ ق / ۱۹۳۵ م) بر علمی بودن این روش تأکید کردند. وی تلاش برای کشف اهداف و مقاصد سوره‌ها را بهترین راه برای فهم معانی آیات می‌داند. او معتقد است:

هر سوره از سوره‌های قرآن کریم دارای جان و روحی است که در کالبد آیات آن سوره جریان دارد و این روح بر مبانی، و احکام و اسلوب آن سوره سلطه و اشراف دارد. معانی و مفاهیم قرآن کریم باید از این منظر و روش نگریده شود. این روش برای مطالعه و بررسی قرآن کریم سودمندتر از آن است که آیات آن یکی پس از دیگری مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. اگر کسی جمله‌ها و آیات و یا کلمات و یا احیاناً حروف آنها را نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهد تا از رهگذر چنین مطالعه‌ای سراسر آن را اجمالاً و یا تفصیلاً بررسی کند، چنین مطالعه پریشان و از هم گسیخته‌ای نمی‌تواند به او در جهت بازیافتن شکوه و عظمت و زیبایی چهره و سیمای سوره مدد رساند.^۹

با نگارش همزمان دو تفسیر ارزشمند و بی‌بدیل در جهان اسلام یعنی المیزان فی تفسیر القرآن^{۱۰} (تألیف ۱۳۵۷ ق) و فی ظلال القرآن^{۱۱} (تألیف ۱۳۷۴ ق) گام‌های مؤثری برای تبیین مبانی نظریه فوق و پیامدها و چالش‌های آن برداشته شد. علامه طباطبایی در المیزان با گشودن فصلی در ابتدای هر سوره با عنوان «بیان»، هدف و غرض اصلی سوره را بیان می‌کرد و در لا به لای تفسیر خود مبانی

نگرش ساختاری به قرآن را استوار می‌نمود و روش‌های راهیابی به اهداف سوره‌ها را گوشزد می‌کرد. با این اقدام علامه، به تدریج روش نگرش ساختاری در میان مفسران رواج یافت تا آن‌جا که در سال‌های اخیر تقریباً هر سال یک دوره تفسیر قرآن براساس نگرش جامع‌گرایانه به سوره‌ها منتشر شد و تاکنون بیش از ۲۵ دوره تفسیر بر این اساس نوشته شده است.^{۱۲}

ویژگی‌های نگرش ساختاری به سوره‌ها

نگرش جامع‌گرایانه و ساختاری به سوره‌های قرآن و گرایش به وحدت هدف و غرض در هر سوره از ویژگی‌ها و چارچوب خاصی برخوردار است که هر گونه پذیرش یا انکار نظریه باید با توجه به این ویژگی‌ها صورت پذیرد.

نخستین ویژگی آن است که این نظریه با اسلوب قرآن که تنوع و گستردگی موضوعات و مطالب مطرح شده در هر سوره را نمایان می‌سازد، تعارض ندارد، زیرا براساس این نظریه موضوعات به ظاهر پراکنده و نامتلائم یک سوره در ارتباطی منطقی و هدایت‌گرایانه به یک هدف اصلی مرتبط می‌شوند و این هدف که جان اصلی و روح حاکم بر آن سوره محسوب می‌شود به این موضوعات پراکنده اشراف داشته و همه را با یکدیگر هماهنگ می‌کند. بدین‌سان نگرش ساختاری به سوره‌ها بدون این‌که قرآن کریم را از سبک و اسلوب ویژه‌اش خارج سازد گام مهمی را برای فهم مقاصد قرآن و درک معارف و حقایق از آن بر می‌دارد. از طرف دیگر، لازمه اعتقاد به نظریه هدفمندی سوره این نیست که هر موضوع فقط در یک سوره مطرح شده باشد و الزاماً ۱۱۴ هدف متفاوت و کاملاً متمایز در قرآن وجود داشته باشد، بلکه ممکن است دو سوره یک موضوع و محور اصلی داشته باشند، اما هر یک از زاویه‌ای جداگانه به تحلیل و بررسی آن پرداخته باشند؛ برای مثال هدف سوره مبارکه «المرسلات» و سوره «النبأ» اثبات قیامت است، اما سوره المرسلات قیامت را با تکیه به اصل تشریح و رسالت پیامبران اثبات می‌کند و سوره «النبأ» با استدلال بر هدفمندی همه اجزای جهان و وجود حکمت در افعال باری تعالی به اثبات آن می‌پردازد. بعلاوه، ممکن است هدف دو سوره کاملاً یکسان باشد و حتی هر دو هدف را با یک عبارت مشابه بیان کنیم، اما هر سوره هدف مورد نظر را به گونه‌ای دنبال کرده باشد، برای مثال هدف سوره مبارکه قیامت، بیان «علل عدم پذیرش قیامت» است و به عواملی همچون شهوت‌طلبی، دنیا خواهی و تکبر اشاره می‌کند و سوره انفطار نیز درباره همین موضوع سخن می‌گوید با این تفاوت که مهم‌ترین عوامل انکار قیامت را پشت کردن به ربوبیت الهی و غفلت از نتایج اعمال می‌داند و سپس به بیان راه درمان آن می‌پردازد.

نکته مهم‌دیگری که باید در این‌جا یادآور شویم این است که اهداف سوره‌ها، اموری جزئی و

معین است و نباید آنها را با عبارات کلی و عمومی بیان کنیم؛ به طور مثال برخی از مفسران گفته‌اند هدف سوره شریفه الملک «بیان راه سعادت و نیکبختی است»،^{۱۳} اما باید توجه داشت که وقتی می‌گوییم «هر سوره هدفی دارد» منظورمان از هدف عبارت وسیع و گسترده‌ای که قابلیت اطلاق بر همه سوره‌های قرآن را دارد نیست، بلکه هدف خاص همان سوره مدنظر است. اهدافی که با کمک قیود محدود کننده از اهداف سایر سوره‌ها متمایز شده باشند و امکان ارزیابی صحت و سقم آنها با کمک شاخص‌ها و ابزارهای کشف اهداف سوره‌ها میسر باشد؛ برای نمونه اگر هدف سوره قیامت را «توجه دادن انسان‌ها به روز قیامت» عنوان کنیم از عبارتی کلی استفاده کرده‌ایم که قابل انطباق بر اکثر سوره‌های آخر قرآن است و این هدف نه خاص است و نه قابل ارزیابی، اما وقتی با دقت و تلاش به این نتیجه می‌رسیم که هدف این سوره «بررسی علل انکار قیامت» است هدف این سوره را از سوره حاقه که در صدد «اثبات حقانیت قیامت» است جدا کرده‌ایم و خود را ملزم نموده‌ایم که دلایل گزینش این عنوان را به طور مستدل بیان کنیم.

مبانی هدفمندی سوره‌های قرآن

نظریه «هدفمندی سوره‌ها» به یک اصل بسیار بدیهی و عقلانی اشاره دارد؛ اما از آن‌جا که سبک ظاهری قرآن به «پراکندگی» و «استطرادهای پی در پی» شباهت بسیاری دارد، اکثر پژوهشگران این ویژگی قرآن را اصل مبنایی در سبک‌شناسی قرآن قرار داده و از کسانی که بر خلاف آن سخن می‌گویند مطالبه دلیل کرده‌اند. طرفداران نظریه هدفمندی سوره‌ها ضمن آن‌که بر عدم تعارض «پراکنده نمایی قرآن» با «وحدت غرض هر سوره» پای می‌فشارند، دلایل متعددی نیز برای اثبات هدفمندی سوره‌ها بیان می‌دارند. مهم‌ترین دلایل آنها عبارتند از:

۱. همسانی اصول جذابیت در کلام الهی و بشری

یکی از بدیهی‌ترین جنبه‌های اعجاز قرآن به ویژگی‌های لفظی و فصاحت و بلاغت این کتاب شگرف باز می‌گردد. اگر اعجاز ادبی قرآن را بپذیریم باید این نکته را باور کنیم که هر چه موجب جذابیت، گیرایی و زیبایی کلام می‌شود در قرآن کریم به نحو احسن رعایت شده؛ همچنان‌که شاهکارهای ادبی جهان نیز به دلیل رعایت همین اصول در اوج قرار داشته و به آثاری جاودانه و ماندگار تبدیل شده‌اند. از جمله اصولی که باعث جذابیت کلام است نظم و چینش ادبی آن است. با توجه به این اصل، قرآن پژوهان معتقدند در ورای ظاهر پراکنده قرآن باید به دنبال هدف و غرض خاصی در هر سوره بود تا در پرتو آن، آیات مختلف و از هم گسسته را به هم متصل کرد. در غیر این صورت باید بپذیریم که

قرآن فاقد یکی از مهم‌ترین اصول جذابیت کلام است.

۲. هدف‌دار بودن قرآن

قرآن مجموعه واحدی است که همه اجزایش هدف و احدی را دنبال می‌کنند و این هدف که همان انسان‌سازی و هدایتگری است در تک تک حروف و کلمات این کتاب مقدس جاری و ساری است. هدایتگری قرآن در گزینش واژگان، چینش کلمات و جایگاه آیات در سوره‌ها کاملاً مشهود است و اراده واحد و حکیمانه‌ای در ساماندهی آنها نقش داشته است.

اگر قرآن دارای هدفی کلی است، باید هر یک از سوره‌های قرآن نیز بخشی از این هدف را تأمین کنند و رابطه‌ای معنادار و هماهنگ با هدف کلی قرآن داشته باشند. پذیرش هدفمندی قرآن به طور طبیعی ما را به سوی هدفمندی سوره سوق می‌دهد، زیرا این سؤال را در برابر ما قرار می‌دهد که اگر هدف کلی قرآن هدایت است سوره بقره یا آل عمران یا ناس و... چه بخشی از این هدایتگری را به عهده دارند؟ آیا اگر یکی از این سوره‌ها در قرآن گنجانده نمی‌شد باز هم هدف نهایی قرآن تأمین می‌شد و همه ابعاد هدایت بیان می‌گردید؟ اگر پاسخ منفی به این سؤال داده و اعتقاد داشته باشیم که هر سوره جایگاه ویژه خود را دارد و هیچ چیز جای آن را پر نخواهد کرد، آنگاه باید به این سؤال جواب دهیم که هدف ویژه هر سوره چیست و هر سوره در کلیت خود در صدد بیان چه پیامی است؟ این جاست که به طور منطقی هدفمندی سوره‌ها مطرح شده و پاسخ شایسته خود را طلب می‌کند.

۳. حصر آیات در یک سوره

قرآن کریم مجموعه‌ای از آیات خود را «سوره» نامیده است. این نام‌گذاری تا زمان نزول قرآن بی‌سابقه بود و در نثر یا شعر هیچ‌گونه کاربردی نداشت. بنا بر تحقیق، جایگاه آیات در سوره‌ها و تعداد آیات یک سوره کاملاً توقیفی بوده و به دستور پیامبر و بنا بر وحی الهی صورت می‌گرفته است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا قرار دادن تعدادی آیات در یک سوره بدون هیچ حکمت و تناسبی بوده است؟ آیا ممکن است هر چند آیه در یک سوره یک هدف جداگانه را دنبال کنند و این اهداف هیچ‌گونه تناسب و هماهنگی با یکدیگر نداشته باشند؟ اگر چنین است، چرا این آیات در جای دیگر قرار داده نشده‌اند و یا چرا این دسته‌های جداگانه هر یک سوره مستقلاً را تشکیل نداده‌اند؟ به راستی چه مشکلی پیش می‌آمد اگر سوره‌های کوچک قرآن بیش از این می‌شدند؟ علامه طباطبایی در پاسخ به این سؤالات و حکمت سوره سوره شدن آیات قرآن می‌گوید:

باید دانست که خداوند مکرر در طی کلماتش از «سوره» نام برده است مانند «فأتوا بسورة

مثله» ۱۴، «سورة أنزلناها» ۱۵. روی هم رفته این‌طور استفاده می‌شود که هر یک از قسمت‌های کلامش که آن را به صورت قطعه جداگانه‌ای بیان فرموده است و نام سوره بر آن گذارده است، دارای یک نوع ارتباط و به هم پیوستگی است که میان دو سوره مختلف یا اجزای آنها وجود ندارد. از آن‌جا که وحدت و یگانگی سخن به واسطه وحدت هدف و منظوری است که از آن در نظر گرفته شده، لذا هر یک از این سوره‌ها «قاعدتاً» منظور و هدف خاصی را دنبال می‌کند. ۱۶

چنان‌که از سخن علامه بر می‌آید برای قرار گرفتن هر دسته از آیات درون یک سوره می‌بایست قدر مشترک و عامل پیوند دهنده‌ای وجود داشته باشند، زیرا در غیر این صورت آن مجموعه هویت و شخصیت مستقل از سایر سوره‌ها نخواهد داشت.

راهکارهای کشف اهداف و مقاصد سوره‌ها

یکی از موانع اصلی پذیرش «نظریه هدفمندی سوره‌ها» این است که چگونه می‌توان بدون دخالت دادن ذوق و سلیقه فردی و تنها با اتکا به اصول علمی، غرض و هدف اصلی سوره را کشف کرد؟ پاسخ‌گویی به این سؤال به دلیل حساسیت شایسته‌ای که پژوهشگران علوم قرآنی در همه مباحث با آن مواجه‌اند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حساسیتی که از ترس فرو غلتیدن در وادی تفسیر به رأی و تحمیل سلايق شخصی بر قرآن به وجود می‌آید؛ از این‌رو ارائه روش‌های علمی کشف مقاصد سوره‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش به‌سزایی در پذیرش آن در محافل علمی دارد. قرآن پژوهانی که به هدفمندی سوره‌ها و نگرش ساختاری به آنها گرایش دارند تلاش‌های در خور تقدیری را برای ارائه راهکارهای علمی کشف مقاصد سوره‌ها سامان داده‌اند. مهم‌ترین این راهکارها عبارتند از: ۱. بررسی سیاق سوره؛ ۲. توجه به اسم سوره؛ ۳. مقایسه آیات آغازین و پایانی سوره؛ ۴. بررسی فضای نزول سوره؛ ۵. توجه به شأن نزول آیات و سوره؛ ۶. مکی یا مدنی بودن سوره؛ ۷. بررسی قصه‌های سوره؛ ۸. فراوانی تکرار یک موضوع در سوره؛ ۹. واژه‌های کلیدی هر سوره؛ ۱۰. فضائل و خواص سوره؛ ۱۱. فراوانی اسماء الحسنی در سوره؛ ۱۲. توجه به حروف مقطعه سوره؛ ۱۳. بررسی آیات پایانی سوره قبل؛ ۱۴. بررسی آهنگ انتهای آیات.

البته مجموع روش‌ها و ابزارهای کشف غرض اصلی سوره همیشه یک نقطه واحد و مشخص را نشانه می‌روند و هدف انتخاب شده با همه آنها سازگار است. ممکن نیست برخی از روش‌ها به کشف یک غرض و برخی دیگر به غرض دیگری برسند، برای مثال اگر غرض اصلی سوره بقره «اثبات حقانیت تعالیم انبیا» باشد این موضوع باید با سیاق آیات، شأن نزول سوره، اسم سوره، مدنی بودن

سوره، واژه‌های کلیدی سوره، آهنگ آیات، مطلع و خاتمه سوره و خلاصه با همه‌ی علایم و نشانه‌های تشخیصی غرض سوره سازگار باشد، در غیر این صورت، باید در صحت تشخیص خود شک کنیم. به عبارتی، این علایم تنها ارزش طریقت دارند و به هیچ وجه از خود اصالت نداشته و همگی در خدمت یک غرض واحد هستند؛ از این رو روح حاکم بر سوره در وجود همه‌ی آنها نیز جریان دارد.

طرفداران نگرش ساختاری به سوره‌ها معتقدند همه‌ی این ابزارها که در اصل ویژگی‌ها و مشخصات یک سوره را تشکیل می‌دهند از ابتدا براساس غرض و محور اصلی سوره سامان یافته‌اند؛ بنابراین این ارتباط آنها با غرض سوره یک ارتباط واقعی است نه اعتباری. اگر خداوند متعال نام خاصی برای یک سوره انتخاب فرمود و سوره را با عبارت به خصوصی آغاز کرد و با آیات دیگری به پایان رساند و یا در ابتدای سوره حروف مقطعه قرار داد و سوره دیگر را بدون حروف مقطعه آغاز نمود همگی بدان سبب بوده که این شکل خاص به آن هدف ویژه‌ای که از سوره مد نظر بوده سازگار و هماهنگ است و الا چه دلیلی دارد که سوره‌ای دارای حروف مقطعه باشد و سوره دیگر فاقد آن، یا در سوره‌ای مکرر بر رحمانیت خداوند تأکید شود و در سوره‌ای دیگر بر ربوبیت او، نام یک سوره «هود» شود و دیگری «یونس» و سومی «محمد ﷺ»، سوره‌ای در مکه نازل گردد و دیگری در مدینه، در یکی آیات کوتاه و قاطع باشد و در دیگری بلند و آرام.

فرآیند برداشت از ساختار سوره

برای استنباط گزاره‌های سیاسی از ساختار سوره‌های قرآن، ابتدا باید غرض اصلی و روح حاکم بر سوره را با استفاده از راهکارهای شناخته شده و قابل قبول کشف کرد. در صورتی که غرض سوره با یکی از مباحث سیاسی ارتباط معناداری داشت، با تکیه بر سیاق سوره فصل‌ها و محورهای فرعی سوره را تنظیم می‌کنیم. برای این کار، ابتدا فهرستی از مطالب سوره را به ترتیب آیات تهیه می‌کنیم و هر گروه از آیات را که اجمالاً در موضوع مشخص سخن می‌گویند جدا کرده و برای آنها عنوانی را در نظر می‌گیریم. آن‌گاه سعی می‌کنیم که بین این عناوین فرعی ارتباط برقرار نموده و خطوط مشترک آنها را ترسیم کنیم. پس از ترسیم خطوط مشترک فصل‌های اصلی سوره مشخص می‌شوند. در برخی موارد پس از تبیین غرض اصلی سوره باید جمله بندی عناوین فرعی نیز به گونه‌ای که تناسب بیشتری با هدف سوره داشته باشد تغییر دهیم تا مجموع عناوین اصلی و فرعی بتوانند ساختار و نمودار محتوایی سوره را ترسیم کنند. با اتمام این مرحله می‌توان در یک نمودار درختی، غرض سوره و فصول آن را به نمایش گذاشت و استنباط‌ها و برداشت‌های متفاوتی در زمینه‌های گوناگون از آن ارائه کرد. اکنون برای نمونه ساختار سوره مبارکه قلم را ترسیم کرده و سعی می‌کنیم برخی از گزاره‌های

سیاسی را از آن استنباط کنیم.

ساختار سوره قلم و روش خنثی‌سازی شایعات

مشرکان مکه برای مقابله با دعوت حیات بخش رسول اکرم از شایعه‌سازی استفاده بسیار کردند و گستاخانه تهمت‌های زیادی را به پیامبر و اصحابش نسبت می‌دادند و حتی برای شایعه‌سازی و تکثیر آن در جامعه افرادی را اجیر می‌کردند. ۱۷ برخی از سوره‌های مکی قرآن به تلاش نافرجام مشرکان اشاره کرده و روش‌های مقابله و خنثی‌سازی آن را یادآور شده است. یکی از این سوره‌ها سوره قلم است. سوره قلم در شرایطی نازل شد که پیامبر اکرم دعوت خود را علنی کرده بود و همگان از محتوای رسالت ایشان مطلع شده بودند؛ از این رو مشرکان همه تلاش خود را برای سرکوب کردن دعوت و به سازش کشاندن پیامبر به کار می‌بردند؛ از جمله انبوهی از تهمت‌ها و شایعات را علیه ایشان سامان می‌دادند. مشرکان در مکه شایعه می‌کردند که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که مدت‌ها با خود خلوت می‌کرد و به عبادت می‌پرداخت اکنون به بیماری پریشان‌گویی و دیوانگی دچار شده است. سوره قلم برای خنثی کردن این شایعه و نشان دادن سرانجام شوم شایعه‌سازان و تهمت‌زنندگان به پیامبر نازل شد و روش‌های مقابله با این شایعه را به پیامبر و مسلمانان آموخت. با استفاده از روش‌های کشف مقاصد سوره‌ها می‌توان اثبات کرد که غرض اصلی سوره مبارکه قلم مبارزه با شایعه‌سازان و تهمت‌زنندگان است. یکی از این دلایل هماهنگی آیات نخستین و پایانی سوره بر نفی اتهام جنون از پیامبر است. با بررسی سیاق سوره نیز می‌توان فصل بندی سوره و عناوین اصلی و فرعی آن را ترسیم کرد و بدین ترتیب نمودار سوره را به شکل زیر ارائه داد. (تصویر شماره ۱).

تصویر شماره یک: ساختار درختی سوره

<ul style="list-style-type: none"> ● به زودی ابهام‌ها برطرف شده و شایعات خنثی می‌شود. ● خداوند مرجع تشخیص جنون و گمراهی؛ ● هدف اصلی مشرکان از تهمت جنون آن است که تو را به سازش بکشانند، اما تو هرگز از آنان پیروی 	<p>۱. حقانیت پیامبر؛</p> <p>۲. نبوت پیامبر؛</p> <p>۳. اخلاق پیامبر.</p>	<p>فصل اول:</p> <p>ویژگی‌های پیامبر و شایعه جنون (آیات ۹-۱)</p>
<p>۶. تجاوزگر (معتد)؛</p> <p>۷. گناهکار (ثیم)؛</p> <p>۸. کینه توز (عتل)؛</p> <p>۹. بی اصل و نسب (زَنیم).</p>	<p>۱. بسیار قسم می‌خورند (حلاف)؛</p> <p>۲. حقیر و پست یا دروغگو و شرور (مهین)؛</p> <p>۳. عیب‌جو و غیبت کننده (هماز)؛</p> <p>۴. سخن‌چینی بین مردم (مشاء بنمیم)؛</p> <p>۵. مانع کار خیر و نیک (مناع للخیر)؛</p>	<p>فصل دوم:</p> <p>خصوصیات اخلاقی و شخصیتی شایعه سازان (آیات ۱۰-۱۳)</p>
<p>۱. ذلت در دنیا و نرسیدن به خواسته‌های دنیوی همانند صاحبان باخ؛</p> <p>۲. عذاب شدید در آخرت.</p> <p>۱. فقدان دلیل عقلی؛</p> <p>۲. فقدان دلیل نقلی؛</p> <p>۳. عدم وجود تعهد و پیمانی از سوی خداوند؛</p> <p>۴. ناتوانی آنان در جلوگیری از عذاب؛</p> <p>۵. ناتوانی خدا یان؛ ● در جلوگیری از عذاب اخروی مجرمان؛</p> <p>● در مقابله با کید الهی و عذاب استدراج.</p> <p>۶. منشأ این اعتقاد بهانه‌جویی است نه استدلال؛</p> <p>۷. ناتوانی مجرمان از تغییر حکم و سنت الهی.</p>	<p>● ابعاد عذاب</p> <p>● حتمی بودن عذاب</p>	<p>فصل سوم:</p> <p>سرانجام ذلت‌بار شایعه سازان با توجه به غرور آنها به مال و قدر تشان (آیات ۱۴-۴۸)</p>
<p>● صبر کردن و نفرین نکردن (برخلاف حضرت یونس).</p>		<p>فصل چهارم:</p> <p>وظیفه پیامبر در برابر تهمت زندگان و شایعه سازان (آیات ۴۹-۵۰)</p>

نتیجه گیری: تهمت جنون نشانه اوج درماتدگی مشرکان است.

شایعه یکی از روش‌های شناخته شده برای جنگ روانی و تبلیغات مخرب سیاسی است. در توصیف شایعه آمده است: شایعه، ترویج خبری ساختگی است که واقعیت ندارد و بر پایه بزرگ‌نمایی، رعب آفرینی و یا تحریف استوار است. در بیان چنین خبری، جنبه کم‌رنگی از حقیقت یا تفسیری خلاف واقع از خبری صحیح گنجانده شده است. هدف از پخش چنین خبری، تأثیر نهادن بر افکار عمومی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی، نظامی یا اقتصادی است.^{۱۸} شایعه در غیبت «ملاک‌های اطمینان بخش رسیدگی» ساخته می‌شود^{۱۹} و به سه گروه شایعات خزنده، سریع و غوطه‌ور تقسیم می‌شوند.^{۲۰}

در تقسیم بندی شایعات، شایعه «مجنون بودن» جزء شایعات خزنده است. این‌گونه شایعات به آرامی منتشر می‌شوند و مردم آن را به طور پنهانی و در گوشی به یکدیگر منتقل می‌کنند.^{۲۱} مطالبی که در جامعه علیه شخصیت‌های سیاسی یا مذهبی به قصد خراب کردن وجهه عمومی آنها صورت می‌گیرد از این قبیل است. در این گونه شایعات ترفندهای «تسطیح»، «برجستگی» و «همانند سازی» به شدت مورد توجه شایعه‌سازان قرار می‌گیرد.

در ترفند تسطیح بسیاری از جزئیات که برای درک صحیح واقعیت مورد نیاز هستند حذف می‌شوند و سپس با ترفند برجستگی جزئیات نگهداری شده مورد تأکید قرار گرفته و اهمیت مضاعف پیدا می‌کنند، آن‌گاه با ترفند همانندسازی بخش برجسته شده را با یک نمونه خارجی اغراق‌آمیز که ممکن است شباهت اندکی با اصل موضوع داشته باشد تشبیه می‌کند تا شایعه از طریق همانندسازی در اذهان جای گرفته و به سرعت تکثیر شود.^{۲۲} در شایعه «مجنون بودن پیامبر» سران شرک با مهارت از همه ترفندها استفاده کردند. آنان ابتدا سعی کردند ویژگی‌های مثبت پیامبر همچون امین بودن، حکیمانه سخن گفتن و سایر مکارم اخلاقی ایشان را نادیده انگارند و سپس فرابشری بودن و غیر عادی بودن سخنان پیامبر را برجسته کرده‌اند و در گام بعدی بین غیر عادی بودن سخن پیامبر و غیر عادی بودن سخنان دیوانگان بی‌هیچ دلیلی شباهت برقرار کرده و با ترفند همانند سازی، پیامبر اکرم را که مظهر عقل کامل است دیوانه و مجنون نامیدند.

بررسی ساختار سوره قلم نشان می‌دهد که خداوند چگونه و با تکیه بر چه اصولی ترفندهای سه‌گانه مشرکان را خنثی نموده و مکر آنان را به خودشان باز گرداند. در نتیجه به جای آن‌که شایعه مجنون بودن موجب از دست رفتن پایگاه اجتماعی و اعتبار دینی پیامبر شود باعث تقویت این جایگاه شده و به از دست رفتن حیثیت و اعتبار مشرکان انجامید.

سوره مبارکه قلم از چهار بخش تشکیل شده است تا نشان دهد که برای مقابله با تهمت‌های شایعه‌سازان از چه روشی باید تبعیت کرد. در بخش اول، چهار دلیل برای نفی اتهام جنون از ساحت

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان می‌دارد و بدین‌سان نکاتی را که شایعه‌سازان تسطیح کرده بودند برجسته می‌کند. دلیل نخست که بر حکیمانه بودن و ماندگاری سخنان و تعالیم پیامبر اشاره می‌کند از آیه شریفه «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» استنباط می‌شود که به قلم‌هایی که حقایق و نکات ارزشمند را می‌نویسند قسم یاد می‌کند. قلم‌هایی که بیش از ۱۴۰۰ سال است که در خدمت بیان اسرار و رموز همان کلماتی است که مشرکان مکه آنها را سحر و گوینده آن را مجنون می‌نامیدند. آیات بعدی به نعمت نبوت پیامبر و دایمی بودن آن (آیه ۲ و ۳) و اخلاق بسیار پسندیده رسول خدا (آیه ۴) اشاره می‌کند و اعلام می‌دارد که هیچ‌یک از این ویژگی‌ها با شایعه مجنون بودن پیامبر سازگار نیست. چگونه ممکن است یک دیوانه گمراه دارای مقام نبوت و بالاترین کرامت‌های اخلاقی شود؟! آیه پنجم اعلام می‌دارد که به زودی همگان با ویژگی‌ها و خصلت‌های بارز پیامبر آشنا می‌شوند و مواردی که شما به دلیل ساختن شایعه و تکثیر آن، مخفی داشته‌اید آشکار می‌گردد و همه می‌فهمند که چه کسی به بیماری جنون دچار شده است. با این عبارت قرآن تأکید می‌کند که به زودی این شایعه با از بین رفتن ابهام‌های موجود خنثی خواهد شد و با حذف عنصر ابهام از ترکیب شایعه، آن را بی‌اثر خواهیم نمود، ۲۳ و با توجه به این‌که «شایعه» در غیبت ملاک‌های اطمینان بخش رسیدگی ساخته می‌شود، آیه ۷ سوره قلم با ارائه مرجع قابل اعتماد و ملاک‌های روشنی در بررسی صحت شایعه به طور کلی آن را بی‌اعتبار می‌کند. این آیه اعلام می‌دارد که مرجع رسیدگی به دیوانگی پیامبر و گمراهی ناشی از آن خداست و کافران شایستگی اظهار نظر در این باره را ندارد.

در آخرین آیات این بخش به انگیزه اصلی شایعه‌سازی اشاره می‌فرماید. آیات ۸ - ۹ از پیامبر می‌خواهد از دروغ‌گویان شایعه‌ساز تبعیت نکند و از جنگ روانی و تبلیغات مخربی که راه انداخته‌اند نهراسد، زیرا انگیزه اصلی آنها به سازش کشاندن پیامبر از طریق وارد کردن فشار روانی و اجتماعی بر ایشان است. بنابراین اگر او در برابر این موج زودگذر مقاومت کند و آنان را از دست‌یابی به اهدافشان مأیوس کند به زودی از ترویج و تکثیر این شایعه دست بر می‌دارند.

بخش دوم سوره که آیات ۱۰ - ۱۵ را در بر می‌گیرد، به تحلیل ویژگی‌های شخصیتی شایعه‌سازان می‌پردازد و آنان را افرادی پر قَسَم (حَالَف)، حقیر (مُهین)، عیب‌جو (هَمَاز)، سخن‌چین (مَشَاءِ نَمِیم)، مانع کار نیک (مَنَاعٍ لِلْخیر)، تجاوزگر (مَعْتَد)، گناهکار (اِثیم)، کینه توز (عَتَل) و بی‌اصل و نسب (زَنیم) می‌خواند تا همگان بدانند که بر خلاف آنچه شایعه‌سازان مطرح کرده بودند کسی که دچار اختلال شخصیتی شده است شایعه‌سازان هستند نه وجود مبارک پیامبر. با این روش قرآن کریم در چرخشی ماهرانه امواج شایعه را که تاکنون متوجه پیامبر و مسلمانان بود بسوی مشرکان و سردمداران آنها هدایت می‌کند و آنان را از موضع تهاجمی به موضع تدافعی می‌کشاند تا به جای حمله به شخصیت

پیامبر از شخصیت ویران شده خود دفاع کنند.

بخش سوم سوره که بیشترین آیات را به خود اختصاص داده است از منظر دیگری به تجزیه و تحلیل پدیده تهمت‌زنی و شایعه‌سازی می‌پردازد و می‌فرماید: چرا سران کفر از روش زشت و ناپسند تهمت و شایعه و تخریب شخصیت دیگران برای کسب پیروزی و غلبه بر دشمن استفاده می‌کنند؟ تنها یک دلیل دارد و آن این که سران کفر خود را در اوج قدرت می‌بینند: «أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَنَبِينٍ - آیه ۱۴» و تصور می‌کنند که هیچ قدرتی توانایی شکست آنان را ندارد و چون دشمن خود را زبون و کم ارزش می‌بینند خیال می‌کنند مجازات و بازخوردی برای اعمال آنها وجود ندارد. به خود اجازه می‌دهند که از هر روش ناپسند و غیر انسانی و مخالف قوانین الهی و بشری برای پیروزی بر مخالفان استفاده کنند. شایعه می‌سازند و تهمت می‌زنند (يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ - آیه ۵۱)، حقایق بدیهی و مسلم را انکار می‌کنند (إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ - آیه ۱۵) و حقوق انسان‌ها را پایمال می‌کنند (إِذْ أَقْسَمُوا لَيُبَرِّئَنَّهَا مَصْبِحِينَ - آیه ۱۷). برآستی با قوم سرکشی که غرور قدرت سیاسی و اقتصادی چشم آنها را کور کرده و با هیچ منطقی حاضر به پذیرش حق نیستند چه باید کرد؟ و از سوی دیگر، چگونه باید مسلمانان و مستضعفان را به مقابله و مقاومت در برابر دسیسه‌های آنان فراخواند؟ و در شرایطی که همه چیز به نفع کفار رقم خورده است روزنه‌ای از امید و تلاش را در برابر مؤمنان گشود؟ پاسخ قرآن قاطع و شفاف است. بخش سوم سوره که حدوداً با «سَنَسِئُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ» - (آیه ۱۶) آغاز و با «سَنَسِئْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» پایان می‌یابد و به پوشالی بودن این قدرت و شکست قریب‌الوقوع آنان که با ذلت و خواری همراه است اشاره می‌کند. آیات نخست این بخش با اشاره به داستان باغداران ثروتمند تأکید می‌کند که این شکست ذلت‌بار دقیقاً در زمانی رخ خواهد داد که آنان خود را در اوج قدرت می‌بینند و تصور می‌کنند که دیگر هیچ قدرتی برای مقاومت در برابر آنان را ندارد. در این هنگام که در خواب غرور و غفلتند عذاب الهی به دور سر آنان شروع به چرخیدن می‌کند و همه آنان را به خاک مذلت می‌کشاند: «فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ * فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ» - (آیه ۱۹ و ۲۰). در ادامه با اشاره به این‌که این عذاب یک سنت حتمی الهی است و در دنیا و آخرت کافران را به کام خود می‌کشد با پندارهای باطل آنان که خود را برتر از دیگران دانسته و فکر می‌کردند هیچ‌گاه ذلت و شکست دامن آنها را نخواهد گرفت مبارزه می‌کند و همه مبانی فکری و اعتقادی این تصور خام را به چالش می‌کشاند و همچنان‌که بر عذاب حقارت بار دنیوی آنان اشاره کرد «سَنَسِئُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ» - (آیه ۱۶)، ۲۴ وضعیت ذلت‌بار آنان در آخرت را نیز به خوبی ترسیم می‌کند «خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تُرْهَقُهُمْ ذُلَّةٌ» - (آیه ۴۳) تا به آنان بفهماند که هیبت اقتصادی و سیاسی شما شدیداً در معرض تهدید و زوال است و بدین‌سان با آنچه مبانی اساسی تهمت‌زنی و شایعه‌سازی آنان است

مقابله کند.

دو بخش بعدی سوره (آیات ۴۸ - ۵۰) بار دیگر وظیفه پیامبر را در برابر کافران لجوج تهمت‌زن بیان می‌کند و می‌فرماید: مبدا گستاخی‌ها، پرده‌داری‌ها، شایعه‌سازی‌ها و آزار و اذیت کافران کاسه صبر تو را لبریز کند و به جای آن که در برابر تبلیغات مخرب آنها از روش تبلیغی و استدلالی استفاده کنی، تسلیم آنان شوی یا به قوه قهریه پناه برده و آنها را نفرین کنی. نباید تصور کنی که فرآیند خنثی‌سازی شایعات و توطئه‌های دشمنان در مدت یک‌سال یا دو سال به نتیجه می‌رسد و در مدت کوتاهی هیمنه اقتصادی، نظامی و سیاسی آنان فروخواهد پاشید. البته این آینده نزدیک است، اما شرط دستیابی به آن تلاش مستمر، تکیه کردن بر محورهای تبلیغاتی ترسیم شده، توکل بر خدا و صبر و استقامت است. هر گونه اقدام شتابزده قبل از پایان یافتن فرآیند تبلیغ و انذار ممکن است موجب پشیمانی و ناکامی گردد، چنان‌که درباره یونس پیامبر این اتفاق رخ داد.

فرجام سوره مبارکه قلم همچون آغاز آن مشتمل بر آیاتی است که اوج درماندگی و واماندگی شایعه‌سازان ناسزاگو را ترسیم می‌کند و اعلام می‌کند که اگر مراحل و گام‌هایی را که در مقابله با شایعه‌سازان بیان شد با حوصله و آرامش برداری به مرحله‌ای می‌رسی که آوای دلنشین قرآن و کلام حق در همه جا منتشر می‌شود و آن‌گاه وقتی آنان این آیات را می‌شنوند با نگاهی مملو از کینه و عداوت نگاهت می‌کنند، گویی می‌خواهند بانگ‌هایشان تو را بکشند^{۲۵} و چون از مقابله با تو احساس درماندگی می‌کنند می‌گویند او دیوانه است، در حالی که تو دیوانه نیستی این سخن خداوند جهانیان است.

گزاره‌های استنباط شده از ساختار سوره قلم

با بررسی مجدد ساختار سوره قلم و تفسیر اجمالی آنچه در پرتو غرض اصلی سوره بیان شد، می‌توان گزاره‌های سیاسی زیر را در خصوص مراحل و روش خنثی‌سازی شایعات دشمنان استنباط کرد.

۱. برای مقابله با شایعات سه اقدام اساسی را سامان دهید: اول، با برجسته کردن نکاتی که شایعه‌سازان با حذف آنها به تخریب ارزش‌ها یا شخصیت‌های حقیقی و حقوقی پرداخته‌اند مانع از تکثیر شایعه شوید؛ دوم، با افشای شخصیت حقیقی و واقعی شایعه‌سازان که با پنهان کردن آن سعی در موجه نشان دادن خود دارند توطئه آنان را خنثی کنید؛ سوم، تأکید بر ناکامی، ذلت و شکست حتمی مخالفان و شایعه‌سازان را یکی از محورهای اصلی تبلیغات خود قرار دهید و با ذکر مثال‌ها، استدلال‌ها و نمونه‌های عینی سعی کنید اسطوره شکست ناپذیری آنان را زیر سؤال ببرید.

۲. برای جلوگیری از گسترش شایعه ضمن از بین بردن «ابهام‌ها» بر ضرورت قضاوت براساس

ملاک‌های اطمینان بخش و رسمی باید تأکید کرد و اعلام نمود که هر ادعایی قابل قبول نیست، بلکه باید کسانی که شایستگی اظهار نظر در این خصوص را دارند درباره صحت و سقم شایعه قضاوت کنند: «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» - (آیه ۷).

۳. توجه داشته باشید هدف اصلی از شایعه‌سازی دشمنان، راه‌اندازی جنگ روانی، وارد کردن فشار اجتماعی و بین‌المللی و سرانجام به سازش کشاندن شماس: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» - (آیه ۹).

۴. در مقابل شایعه‌سازان مقاومت کنید و تسلیم نشوید: «فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ» - (آیه ۸). تصور نکنید پذیرش یک شایعه مانع از اثرگذاری آن می‌شود.

۵. پیروزی‌های موقت و کامیابی‌های اقتصادی و سیاسی مخالفان و شایعه‌سازان باعث دلسردی شما نشود. اگر حساب شده عمل کنید شکست و ذلت آنها حتمی است. (آیات ۱۴ - ۴۸)

۶. مبارزه با شایعات و تلاش‌های تبلیغاتی دشمن باید با صبر و حوصله همگام باشد؛ از هر گونه اقدام عجولانه پرهیز کنید. (۴۹ - ۵۰) آیات

۷. در مبارزه با شایعه‌سازان بیش از آن‌که بر حقانیت خود و دفاع از خود تأکید کنید بر باطل بودن آنان و حتمی بودن شکست آنان اصرار ورزید. (با توجه به آن که بیش از ۷۵ درصد آیات سوره بر باطل بودن شایعه‌سازان تأکید دارد).

اکنون با توجه به اصول به دست آمده می‌توان دیدگاه قرآن را در مورد چگونگی برخورد دولتمردان حکومت اسلامی با شایعاتی که سردمداران کفر به خصوص آمریکا علیه ملت مسلمان ایران تدارک می‌بینند تبیین کرد؛ برای مثال شایعاتی همچون «تروریست بودن» و «عدم پایبندی به حقوق بشر». براساس گزاره‌های استنباط شده از ساختار سوره قلم، تلاش‌های تبلیغاتی خود را در سه محور باید تنظیم کرد: در محور اول باید ویژگی‌ها و خصلت‌های مثبت مسلمانان را که با شایعات مذکور ناسازگار است تبیین کرد؛ در محور دوم، عملکرد مدعیان حقوق بشر و چهره واقعی آنان را برای جهانیان ترسیم نمود و در محور سوم، به همگان اعلام کرد که دلیل اصلی شایعه‌سازی و تهمت‌زنی سردمداران کفر جهانی علیه امت اسلامی، غرور و قدرت و احساس شکست‌ناپذیری آنها است، در حالی که شواهد بسیاری وجود دارد که از شکست و ذلت قریب الوقوع آنها خبر می‌دهد و این نکته باید محور اصلی تبلیغات ما باشد.

سخن آخر

روش ساختاری در فهم قرآن، روش نوین‌یادی است که هنوز در ابتدای راه است و هم اکنون مراحل

تکاملی خود را طی می‌کند، اما با توجه به تلاش‌های گسترده‌ای که برای تقویت بنیان‌های علمی این روش صورت می‌گیرد می‌توان امیدوار بود که با کمک آن نکات نوآمد و کاربردی را در عرصه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی و اجتماعی از ساختار سوره‌های قرآن برداشت کرد؛ چنانچه با کمک این روش محمد محمدمدنی اصول اداره جامعه اسلامی را از سوره نساء استخراج کرده است.^{۲۶}

پی‌نوشت‌ها

۱. بقره (۲) آیه ۲۴۶.
۲. علی اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵) ج ۲، ص ۱۷۴.
۳. همان، ص ۱۷۲.
۴. محمد رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم (المنار) - (بیروت: دارالمعرفة).
۵. طنطاوی جواهری، الجواهر فی تفسیر القرآن (بیروت: دارالفکر).
۶. محمد بستانی، المنهج البیانی فی التفسیر، ص ۸.
۷. محمد عبدالله دراز، النبا العظیم (الکویت: دارالقلم، ۱۹۷۰م).
۸. محمد محمد مدنی، المجتمع الاسلامی كما تنظمه سورة النساء (مصر: دارالفکر، ۱۹۹۱م).
۹. همان، ص ۵-۶.
۱۰. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن (تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳).
۱۱. سید قطب، فی ظلال القرآن (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۸۶ق).
۱۲. محمد خامه‌گر، ساختار هندسی سوره‌های قرآن (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲) ص ۶۵.
۱۳. محمد علی خالدی، صفة العرفان فی تفسیر القرآن (صیدا: المطبعة العصرية، ۱۹۹۶م) ج ۶، ص ۵۹۵.
۱۴. یونس (۱۰) آیه ۳۸.
۱۵. نور (۲۴) آیه ۱.
۱۶. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱، ص ۱۷.
۱۷. یکی از این نمونه‌ها داستان ولیدین مغیره است که مشرکان از او خواستند تا دیداری با پیامبر داشته باشد و سپس شایعه‌ای را علیه او تدارک کند و پس از مدتی فکر کردن و بررسی جوانب امر به ابوجهل گفت شایعه ساحر بودن پیامبر را ترویج دهید. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۸۶.
۱۸. مختار التهامی، الرأی العام والحرب النفسیه (بیروت: دارالمعارف، ۱۹۶۷م) ج ۱، ص ۱۰۲.

۱۹. آل پورت و لئوپستمن، روان‌شناسی شایعه، ص ۹.

۲۰. همان، ص ۱۸۴.

۲۱. آل پورت و لئوپستمن، پیشین، ص ۱۸۴.

۲۲. همان، ص ۱۵۰ - ۱۵۲.

۲۳. دو عنصر «اهمیت» و «ابهام» در انتقال شایعه نقش اساسی دارند، به گونه‌ای که میزان رواج شایعه (R) تقریباً برابر است با حاصل ضرب اهمیت (i) در ابهام (a) موضوع مطرح شده در شایعه $R=i \times a$. آل پورت و لئوپستمن، پیشین، ص ۴۵.

۲۴. تعبیر «داغ بر خرطوم زدن» در فرهنگ عرب هجوآمیزترین عبارتی است که بر ذلت و ناکامی یک شخص دلالت می‌کند. محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۹، ص

۲۵. یکی از احتمالات پذیرفته شده در آیه شریفه «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزَلُّونَكَ» این است که «لِيُزَلُّونَكَ» را به نگاه مملو از کینه و خشم تفسیر کنیم نه چشم زخم، البته احتمال دوم رایج تر است. محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۹، ذیل آیه شریفه.

۲۶. محمد محمد مدنی، پیشین.